

کافی و اصول اربعه

منصور پهلوان*

چکیده: اصول اولیه حدیث امامیه در چهارصد رساله حدیثی که بیشتر آنها در دوران صادقین علیهما السلام نگاشته شده، ثبت بوده است. پس از دوران حضور ائمه علیهم السلام نویسندگان کتب اربعه به ثبت آن اصول در کتابهای خود بطور مبوب و مضبوط اقدام کرده‌اند و کتاب کافی تألیف ثقه الاسلام کلینی جامع‌ترین آنها است.

کلید واژه‌ها: کافی / کلینی، محمد بن یعقوب / حدیث شیعه، قرن چهارم هجری / کتب ربه / اصول اربعه

مقدمه

تدوین کتب اربعه حدیثی شیعه در اوایل قرن چهارم هجری و پس از آن صورت گرفته است. محمد بن یعقوب کلینی (م ۳۲۹)، محمد بن علی بن بابویه (م ۳۸۱) و محمد بن حسن طوسی (م ۴۶۰) - مشهور به «محمّدون ثلاثه» - به تألیف مهمترین کتب روایی شیعه پرداختند. اما این بدان معنی نیست که تدوین و تألیف کتب حدیثی امامیه پس از تدوین کتب حدیثی عامه صورت گرفته است، زیرا امامیه از دوران رسول اکرم (ص) تا زمان امام حسن عسکری (ع) احادیث ائمه دین را در رساله‌های مستقلی بنام اصول ثبت و ضبط می‌کردند. پس از دوران حضور ائمه (ع) محمّدون ثلاثه به تدوین آن اصول



پرداختند و مجموعه‌های گرانقدر کتب اربعه شیعه را فراهم آوردند. البته در میان ایشان، کلینی بیشترین اهتمام را در گردآوری و تبویب و تدوین اصول اربعه‌ا داشته است.

ضبط احادیث

شیعه در ثبت و ضبط احادیث پیامبر اکرم و ائمه اطهار - علیهم‌السلام - اهتمام ورزیده است و این اهتمام به واسطه تأکیدات پیامبر اکرم (ص) بر ثبت و ضبط سخنان حضرتش بوده است. برخی از این احادیث را می‌توان در کتب روایی، ابواب کتابت علم مشاهده کرد. (بحارالانوار، کتاب العلم، ج ۲، ص ۱۴۷ - ۱۵۲) و ترسیمی از این اهتمام را می‌توان در گواهی دانشمندان زیرین دید:

۱ - سید ابن طاووس در کتاب مهج الدعوات می‌نویسد:

گروهی از اصحاب امام کاظم علیه‌السلام - از کسانی که با وی بیعت کرده بودند و از شیعیان آن حضرت بودند - در مجلس آن امام حاضر می‌شدند، در حالی که الواح ابنوس لطیف و میل‌هایی در آستین‌های خود داشتند. همین که امام کاظم علیه‌السلام سخنی می‌فرمود یا در موردی فتوا می‌داد، آن گروه آنچه را شنیده بودند، در لوح ثبت می‌کردند. (مهج الدعوات، ص ۲۱۹ و ۲۲۰).

۲ - شیخ بهایی در کتاب مشرق الشمسین می‌گوید:

از مشایخ ما - قدس سرهم - به ما چنین رسیده است که عادت اصحاب اصول، چنین بود که هرگاه از یکی از ائمه حدیثی می‌شنیدند، به ثبت و ضبط آن در اصول خود می‌پرداختند، تا مبادا به مرور زمان، تمام آن یا بخشی از آن دستخوش نسیان گردد. (الذریعه الی تصانیف الشیعه، ج ۲، ص ۱۲۸)

۳ - میرداماد در راسحه ۲۹ از رواشح خود می‌نویسد:

گفته می‌شود که روش اصحاب اصول چنین بود که هرگاه از یکی از ائمه علیهم‌السلام حدیثی می‌شنیدند، مبادرت به ضبط آن در اصول خود می‌نمودند، بدون آنکه در این کار تأخیری روا دارند. (همان مدرک)

۴ - احمد بن محمد بن موسی محدث و عالم مشهور قم - که رئیس علمای شهر خود

بوده است - می‌گوید: در جستجوی حدیث به کوفه رفتیم. در آنجا حسن بن علی و شاء را ملاقات کردم که یکی از اصحاب امام رضا علیه السلام بود. از او خواستم کتاب علاء بن رزین و ابان بن عثمان را بر من املاء کند. او می‌گفت: من در این مسجد نهصد نفر از مشایخ حدیث را درک کرده‌ام که همگی می‌گفتند: حدیثی جعفر بن محمد، یعنی: جعفر بن محمد امام صادق علیه السلام به من چنین گفت. (سیر حدیث در اسلام / ص ۲۴ و ۲۵).

تعریف اصل

محقق بهبهانی - که سرآمد فقها و محققان شیعه در سده دوازدهم هجری است - می‌گوید:

«اصل عبارت است از رساله‌ای که نویسنده آن، احادیث آن را شخصاً از امام علیه السلام شنیده باشد، یا از روایت کننده‌ای که او شخصاً از امام استماع کرده باشد، یعنی واسطه دیگری در کار نباشد و از کتاب یا اصل دیگری نقل نشده باشد.» (الذریعة الی تصانیف الشیعة، ج ۲، ص ۱۲۶) به همین دلیل «اصل»، از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار است.

عقیده علما در باب اصول و راویان آنها

در اینجا، آنچه را علمای بزرگ امامیه در باره اصول و راویان آنها گفته‌اند، می‌آوریم تا اسباب نتیجه‌گیری نهایی فراهم آید.

۱. شیخ مفید (م ۴۱۳ هجری) - بنابر آنچه در آغاز کتاب معالم العلماء، از او نقل می‌کند - در این باره می‌گوید:

از عهد امیرالمؤمنین تا زمان امام حسن عسکری علیه السلام، شیعه امامیه چهارصد کتاب تألیف نمود. و این است معنای سخن ایشان که می‌گویند: برای او اصلی است. (وسائل الشیعه، ج ۲۰، ص ۷۲)

همو در کتاب الارشاد می‌نویسد:

امام صادق علیه السلام آگاهترین برادرانش از حیث قدر، و جلیل‌ترین ایشان نزد عامه و خاصه است. مردم از آن حضرت علوم مختلف نقل کردند و نام او را در شهرها پراکندند.



و علما، از هیچیک از ائمه اهل البیت، به اندازه‌ای که از او نقل کرده‌اند، روایت ننموده‌اند. اصحاب حدیث نام راویانی را که از او روایت کرده‌اند، با اختلافی که بر حسب آراء و مقالات دارند نقل کرده‌اند، که به چهار هزار نفر رسد. (الارشاد، ص ۲۵۳)

۲. امین الاسلام طبرسی (م ۵۴۸ هجری) در کتاب اعلام الوری می‌نویسد:

چهار هزار تن از مشهورترین دانشمندان، از امام صادق علیه السلام روایت کردند و از پاسخهای آن حضرت در مسائل، چهارصد کتاب معروف نگاشته‌اند که «اصول» نامیده می‌شود. آن اصول را اصحاب امام صادق و اصحاب فرزندش امام کاظم علیه السلام روایت کرده‌اند. (اعلام الوری، ص ۲۷۶)

۳. ابن شهر آشوب (م ۵۸۸ هجری) در کتاب المناقب می‌نویسد:

افراد موثقی که از امام صادق علیه السلام روایت کرده‌اند، چهار هزار تن می‌باشند، و اسامی ایشان در کتاب الرجال ابن عقده مذکور است. (المناقب، ج ۴، ص ۲۴۷)

۴. محقق حلی (م ۶۷۶ هجری) در کتاب المعتمر می‌گوید:

بالغ بر چهار هزار نفر، از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده‌اند. و به تعلیم آن حضرت، فقهای دانشمند بسیاری ظاهر گردیدند، مانند زرارة بن اعین و برادرانش بکیر و حمران، جمیل بن صالح، جمیل بن دراج، محمد بن مسلم، برید بن معاویه، دوهشام (هشام بن حکم، هشام بن سالم)، ابوبصیر، عبدالله و محمد و عمران حلی، عبدالله بن سنان، ابوالصلاح کنانی و غیر ایشان از دانشمندان بزرگ، به گونه‌ای که از پاسخ سؤالی که از آن حضرت می‌شد، چهار صد اثر تصنیف گردید که «اصول» نامیده شد. (وسائل الشیعه، ج ۲۰، ص ۷۲)

مرحوم محقق بعد از کلام فوق می‌گوید:

از شاگردان حضرت جواد علیه السلام دانشمندان بودند، از قبیل: حسن بن سعید، برادرش حسین بن سعید، احمد بن محمد بن ابی نصر بزندی، احمد بن محمد بن خالد برقی، شاذان ابوالفضل قمی، ایوب بن نوح بن دراج، احمد بن محمد بن عیسی و غیر آنها که اگر بخواهیم ایشان را نام ببریم به درازا خواهد کشید. کتابهای ایشان هم اکنون بین اصحاب منقول است و بر علم ناب ایشان دلالت دارد. (همان مدرک، ص ۷۳)



۵. شهید اول (مقتول به سال ۷۸۶ هجری) - بنابر نقل صاحب وسائل الشیعه از کتاب «الذکری» - در این باره کلامی مشابه سخن محقق دارد. شیخ حر می‌نویسد:

شهید در کتاب ذکری در بارهٔ وجوب پیروی از مذهب امامیه وجوه متعددی را ذکر می‌کند، از جمله: اتفاق امت بر طهارت ائمه اثناعشر علیهم‌السلام و شرافت اصل و نسب و ظهور عدالت ایشان است که شیعه به حد تواتر از ایشان نقل می‌کند و راهی برای انکار باقی نمی‌ماند، تا آنجا که از پاسخ سؤالاتی که از حضرت صادق علیه‌السلام می‌شد، چهارصد رساله تألیف نمودند و از شاگردان معروف آن حضرت، نام چهار هزار نفر که اهل عراق و حجاز و خراسان و شام بودند تدوین گشت. و همچنین از حضرت باقر علیه‌السلام نیز روایت نمودند. رجال سایر ائمه علیهم‌السلام نیز معروف و مشهورند و کتابهایی تألیف نمودند که نام بسیاری از ایشان را علمای عامه در کتابهای رجال خود آورده‌اند. (همان مدرک، ک ص ۷۷)

۶. محقق داماد (م ۱۰۴۰ یا ۱۰۴۱) در کتاب رواشح می‌نویسد:

مشهور این است که اصول اربعه‌آه تألیف چهارصد مؤلف از اصحاب حضرت صادق علیه‌السلام می‌باشد، بلکه در مجالس اخذ و سماع و روایت از آن حضرت و رجال آن امام، حدود چهار هزار نفر بودند و کتب ایشان بسیار است ... اما آن مقدار که اعتبار آنها مستقر و ثابت است، تعدیل بر آنها انجام می‌گیرد و اصول نامیده می‌شود، همین اصول چهارصدگانه است. (الذریعه الی تصانیف الشیعه، ج ۲، ص ۱۲۰ - ۱۳۰).

علامه تهرانی در جمع اقوال فوق می‌گوید: معظم ارباب اصول از شاگردان صادقین علیهم‌السلام بوده‌اند و اصول اندکی هم از اصحاب سایر ائمه معصومین نقل گردیده است. و وقتی که می‌گویند نویسندگان اصول اربعه‌آه از شاگردان امام صادق علیه‌السلام و یا صادقین علیهم‌السلام بوده‌اند، نظر به اکثر و اغلب دارند (الذریعه، ج ۲، ص ۱۳۱، ذیل اصل)



اسامی مؤلفان اصول اربعه‌آه

اگر همه مؤلفان اصول اربعه‌آه را از اصحاب حضرت صادق علیه‌السلام بدانیم، بی‌تردید نام آنها در ضمن اسامی راویان و اصحاب آن حضرت آمده است. قدیم‌ترین کتابی که در بارهٔ راویان حضرت صادق علیه‌السلام نوشته شده است، رجال ابوالعباس احمد بن محمد بن سعید

بن عقده زیدی (متوفی ۳۳۳) است اگر چه این کتاب، مستقلاً در دسترس نیست، اما نقل تمامی آن در رجال شیخ طوسی، آن را از نابودی و انهدام نجات بخشیده است. شیخ طوسی در مقدمه کتاب رجال خود می‌فرماید: من از اصحابمان کسی را ندیده‌ام که کتاب جامعی در بارهٔ راویان ائمه علیهم‌السلام نوشته باشد، مگر آنچه که ابن عقده در بارهٔ رجال حضرت صادق علیه‌السلام نوشته است. ابن عقده در این باب، نهایت کوشش خود را نموده است. اما رجال سایر ائمه را متذکر نشده است. من هر چه را که او ذکر نموده، یاد کرده و بعد از آن نیز کسانی را که او متذکر نشده است درج نموده‌ام.

شیخ در رجال خود در فصل مربوط به حضرت صادق علیه‌السلام، اسامی ۳۲۲۳ نفر از راویان آن حضرت را برشمرده است (رجال طوسی، ص ۱۴۲ - ۳۴۲) ضمن آنکه در مقدمه کتاب می‌گوید:

من تضمین نمی‌کنم که اصحاب ائمه علیهم‌السلام منحصر به اینها باشند که من ذکر نموده‌ام، زیرا اسامی راویان حدیث ضبط شده نیست و به دلیل کثرت و پراکنده شدن شان در شرق و غرب عالم، نمی‌توان آنها را محصور و محدود نمود، اما امیدوارم آنچه از نظرم افتاده، اندک باشد. و به هر حال، انسان در مقابل وسع و طاقتش مسئول است. (رجال طوسی، ص ۲)

نخستین کتابی که با عنوان مؤلفان اصول اربعمأه نوشته شده است، کتاب ابوالحسین احمد بن الحسین بن عبیدالله معروف به ابن غضائری است. شیخ طوسی در مقدمه کتاب فهرست خود در این باره می‌نویسد: من گروه بسیاری از بزرگان اصحاب حدیث شیعه را دیدم که فهرست کتابها و تصنیفات و اصول شیعه را نوشته‌اند، اما استقصای کامل در این باب ننموده، بلکه بیشتر آن کتابها را ذکر نکرده‌اند و مقصودشان ذکر کتابهایی بوده که به روایات آنها اختصاص داشته و یا در کتابخانه‌های آنها موجود بوده است. و هیچکس متعرض آن کتابها نشده، جز ابن غضائری که دو کتاب در این باب نگاشته است، یکی در بارهٔ مصنفات و دیگری در باب اصول. وی به اندازهٔ توانایی خود در این باب کوشیده است. اما نسخه‌ای از این دو کتاب برداشته نشد و او در گذشت و بنابر آنچه می‌گویند، بعضی از ورثه او تصمیم به نابود کردن این دو کتاب و سایر نوشته‌های او گرفتند.

(الفهرست، ص ۱)

فهرست دیگری که از اصول و مؤلفین آنها نوشته شده، «فهرست» شیخ طوسی است. لکن شیخ در آن کتاب، اصول و کتب را تفکیک نکرده بلکه هر دو را توأمان می آورد. وی در این باره می گوید:

بر تألیف کتابی که مشتمل بر ذکر مصنفات و اصول باشد مصمم شدم و برای هر کدام (یعنی مصنفات و اصول) بابی جداگانه اختصاص ندادم تا کتاب مفصل نشود. زیرا بعضی از مصنفین هستند که دارای اصل نیز می باشند، آنگاه باید در هر دو بخش نام یک شخص بیاید و کتاب طولانی خواهد شد. (همان مدرک، ص ۲)

در کتاب فهرست، شیخ طوسی اسامی ۸۹۲ تن از مؤلفان کتب و اصول را ذکر می کند و کتابهای هر یک را بر می شمرد که گاهی تعداد کتابهای یک مؤلف، بالغ بر ۲۰۰ جلد می گردد. مثلاً پیش از آنکه نام کتابهای محمدبن مسعود عیاشی ذکر شود، می گوید: له کتب کثیره تزید علی مائتی مصنف. (همان مدرک، ص ۳۱۷)

محمدبن ادریس حلی (م ۵۷۸ یا ۵۹۸) در پایان کتاب سرائر خویش، بابی دارد تحت عنوان: «الزیادات فیما انترعته و استطرفته من کتب المشیخة المصنفین و الرواة المحصلین، و ستقف علی اسمائهم». یعنی: باب زیادات که آن را از کتب استادان مؤلف و راویان محصل برگزیده ام و بر اسامی ایشان بزودی واقف خواهی شد.

آنگاه علاوه بر اساس مصنفین، مطالبی از رسائل ایشان را نیز ذکر می کند. از جمله ایشان: موسی بن بکر، معاویه بن عمار، احمدبن محمدبن ابی نصر بزنطی، ابان بن تغلب، جمیل بن دراج، ابو عبدالله سیاری، حسن بن محبوب سراد، محمدبن علی بن محبوب، محمدبن عبدالله بن جعفر الحمیری، جعفر بن محمدبن سنان دهقان، عبدالله بن بکیر بن اعین، ابوالقاسم بن قولویه، صفوانی، احمدبن ابی عبدالله برقی می باشند. (سرائر، ص ۴۶۵ - ۴۹۰)

مرحوم شیخ آقا بزرگ تهرانی در کتاب «الذریعه» در باره اصول و مصنفات اصحاب ائمه علیهم السلام بحث کرده و فهرست بلندی در این باب ارائه کرده است. وی ذیل کلمه «اصل» مقدمه ای در اهمیت اصول دارد و در دنباله، نام ۱۱۷ اصل و مؤلف آن را بر می شمرد. (الذریعه الی تصانیف الشیعه، ج ۲، ص ۱۲۵ - ۱۶۷)

نیز در جلد ۶ ذیل کلمه «کتاب الحدیث» از شماره ۱۶۱۳ تا ۲۳۵۶، یعنی بالغ بر ۷۳۴ کتاب از کتابهای حدیث قدمای اصحاب را ذکر کرده و در پایان می‌گوید:

این ۷۳۴ کتاب حدیث را در فهرست کتابهای قدما از اصحاب یافتیم که ایشان از آن به عنوان «کتاب» تعبیر کرده‌اند و ما آن را «کتاب حدیث» نامیدیم، به دلیل آنکه مشتمل بر احادیثی هستند که از ائمه علیهم‌السلام روایت شده است. این روایات عیناً در کتب اربعه‌ای که محمّدون ثلاثه اول تألیف کرده‌اند، یعنی کافی و فقیه و تهذیب و استبصار، و کتبی که محمّدون ثلاثه آخر نوشته‌اند یعنی وافی و بحار و وسائل و مستدرک آن آمده است. (همان مدرک، ج ۶، ص ۳۰۳ - ۳۷۴)

خلاصه: از مطالب گذشته می‌توان نتیجه گرفت که شیعه امامیه در ثبت و ضبط احادیث، اهتمامی تام داشته و احادیث پیامبر اکرم و ائمه اطهار علیهم‌السلام را با دقت به نگارش در آورده است. تعداد کتابهای حدیثی که در دوران حضور ائمه علیهم‌السلام تألیف گردیده بالغ بر هزاران رساله است. اما از آن میان حدود ۴۰۰ رساله که اصول نامیده می‌شود، اهمیت فوق العاده دارد، زیرا مؤلف اصول مطالب آن را مستقیماً از امام علیه‌السلام یا از راوی امام نقل می‌کند. این اصول، زمینه ساز تألیف مجموعه‌های بزرگ حدیثی - از قبیل کافی و سایر کتب اربعه شیعه - گردیده است.

کلینی و اصول اربعه‌آه

یکی از بزرگترین محدثان دوره اسلامی، محمدبن یعقوب کلینی متوفای ۳۲۹ هجری است که برای تألیف کتاب خود «کافی» بیست سال وقت سپری کرده است. کلینی نه تنها اصول اربعه‌آه را در اختیار داشته، بلکه هزاران رساله و حدیث را با سلسله سند متصل در کتاب خود نقل نموده است.

شیخ مفید می‌گوید: کافی جلیل‌ترین کتب شیعه، و از حیث فائده از همه مفیدتر است. (ریاض العلماء، ج ۲، ص ۲۶۲)

شهید اول می‌نویسد: کتاب کافی در حدیث، کتابی است که امامیه مانند آن را به خود ندیده است. (مقدمه کافی، ص ۲۷)

محقق کرکی می‌گوید: کتاب بزرگی که کافی نام دارد، در حدیث مانند آن نوشته نشده است. این کتاب از احادیث شرعی و حقایق دینی مطالبی در بر دارد، که در هیچ کتاب دیگری یافت نمی‌شود (همان مدرک).

شهید ثانی می‌گوید: این حواشی مختصری است که بر اصول کتاب کافی و سرچشمه آب صافی تألیف ثقه جلیل محمدبن یعقوب کلینی - أنار الله برهانه و أعلى فی علیین مکانه - نوشته‌ام. به جان خودم سوگند تار و پود این کتاب به گونه‌ای بافته شده است که ماندنی ندارد. و از این کتاب، قدر و منزلت و جلالت کلینی فهمیده می‌شود. (روضات الجنات، ج ۶، ص ۱۱۳)

صاحب مستدرک الوسائل می‌نویسد: کافی قدرش عالی و شأنش عظیم است. و بر هر کتابی که در اسلام تصنیف گردیده است تقدم دارد. (مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۵۲۶)

سایر علمای اسلامی نیز از قدر و منزلت کافی و مؤلف آن ستایش‌ها کرده‌اند و مسلماً کتابی با این اوصاف نمی‌تواند از اصول اولیه حدیث و روایات مورد اعتماد امامیه خالی باشد. علاوه بر آن شواهد و قرائنی که بر مدعای اخیر دلالت دارد به قرار زیر است:

۱ - کلینی (م ۳۲۹) بزرگترین محدث امامیه است که قرب عهدش به اصحاب اصول بیش از سایر محدثان همچون صدوق (م ۳۸۱) و طوسی (م ۴۶۰) است و چون در مقدمه کتابش اعلام می‌دارد که مجموعه کافی را از احادیث صحاح برگزیده است (الکافی، ج ۱، ص ۸ و ۹) و از طرف دیگر همانند سایر قدما احادیث اصول را صحیح می‌شمرد (عدة الاصول، ج ۱ / ص ۳۶۷) می‌توان نتیجه گرفت که اصول اربعماه در کتاب کافی مندرج است.



۲ - بسیاری از اصول شناخته شده در کتاب کافی نقل گردیده است، همچون اصل ظریف بن ناصح کوفی که به دفعات بر ائمه علیهم‌السلام عرضه شده و ایشان آن را تأیید فرموده‌اند (الذریعه، ج ۲، ص ۱۶۱) علامه تهرانی در باره اصل ظریف می‌نویسد: از اصول مورد اعتماد است و امامیه بدان نهایت اعتماد را دارد و مشایخ آن را از ظریف نقل کرده‌اند همچون ثقه الاسلام کلینی که در ابواب دیات کتاب الکافی بطور پراکنده آن را نقل کرده است. همچنین در کافی از اصل سلیم بن قیس هلالی نقل شده که ابن ندیم از آن یاد کرده و قاضی بدرالدین سبکی متوفای ۷۶۹ در کتاب محاسن الوسائل فی معرفه

الاولی دربارۀ آن گفته است: «ان اول کتاب صنف للشیعه هو کتاب سلیم بن قیس الهمالی» (به نقل از الذریعه، ج ۲، ص ۱۵۲) علامه تهرانی پس از نقل عبارات فوق می نویسد: بسیاری از قدماء اصحاب ما همچون ثقه الاسلام کلینی در کافی از اصل سلیم نقل کرده اند (همان)

۳- محدثان اسلامی کافی و کلینی را با عنوان جامع اصول تعریف کرده اند. مثلاً علامه مجلسی در مقدمه مرآة العقول می گوید: با کتاب کافی آغاز می کنم تألیف شیخ صدوق، ثقه الاسلام، مقبول طوایف مردم، بزرگواری که خاص و عام او را مدح کرده اند، محمدبن یعقوب کلینی که خداوند او را با ائمه کرام محشور فرماید، زیرا کافی اضبط اصول و جامع ترین کتابهای فرقه ناجیه و بزرگ ترین آنهاست. (همان مدرک، ص ۱۱۷)

مولا محسن فیض کاشانی می نویسد: کافی شریف ترین و موثق ترین و تمام ترین و جامع ترین آنهاست، به دلیل آنکه اصول را در بر دارد و فاقد زوائد و نواقص است.

۴- به تصریح علمای رجال، اصول اربعمأه نزد طبقه شاگردان کلینی بوده است و اگر کلینی، اصلی از اصول را در اختیار نداشته به آسانی می توانسته بدان دسترسی یابد. چنانکه شیخ طوسی دربارۀ تلعبیری می گوید: هارون بن موسی تلعبیری که کنیه اش ابو محمد است جلیل القدر، عظیم المنزله بسیار روایت، بی نظیر و موثق است و تمامی اصول و مصنفات را روایت می کند. وی در سال ۳۳۵ هجری وفات نمود. مرحوم نوری در خاتمه مستدرک الوسائل می نویسد: تمام اصول نزد ابومحمد هارون بن موسی تلعبیری موجود بوده است، او تمامی آنها را به طرق خود روایت می کند و او از رجال و شاگردان کلینی بوده است. اکثر آن اصول نزد حمید بن زیاد از مشایخ کلینی نیز - وجود داشته است. پس اگر آن اصول نزد ایشان بوده است، در باره کلینی چه باید گفت که او به داشتن آن اصول سزاوارتر است، زیرا او شیخ الطائفه و مرجع ایشان و دانشمند بی دلیل این صنعت بوده است. (مستدرک الوسائل، محدث نوری، ج ۳، ص ۵۳۸)

۵- به تصریح علمای رجال، اصول اربعمأه نزد طبقه مشایخ کلینی بوده است و کلینی به سادگی می توانسته بدانها دسترسی داشته باشد، چنانکه شیخ طوسی در کتاب فهرست دربارۀ حمیدبن زیاد می نویسد:

او ثقه است، و کتابهای بسیاری تصنیف نمود و بیشتر اصول اربعمأه را روایت کرد، و

خود به تعداد آن اصول، تألیف دارد. (الفهرست، ص ۱۱۸). از آنچه شیخ طوسی در ترجمه حمید بن زیاد گفته است، بر می آید که بیشتر اصول اربعمأه در زمان حمید و نزد او موجود بوده است و شاید مهاجرت کلینی به بغداد، برای ملاحظه بعضی از اصول و تصحیح و تهذیب کتابش بوده باشد.

۶ - بسیاری از دانشمندان و محدثان بزرگ اسلامی تصریح کرده اند که مجموعه اصول اربعمأه در کتب اربعه و علی الخصوص کافی گرد آمده است و حتی یکی از دلائل اندارس آن اصول، تألیف این کتاب بوده است، چنانکه شهید ثانی (مقتول به سال ۹۶۵) در شرح رساله درایه خود می فرماید:

امر متقدمین به چهارصد کتاب استقرار داشت که آنها را اصول می نامیدند و اعتماد شیعه بر آن اصول بود. سپس برخی از آنها را روزگار پراکنده ساخت. گروهی از دانشمندان، آن اصول را در کتابهای مخصوصی به منظور سهولت دسترسی خلاصه نمودند. بهترین این خلاصه ها، کتاب کافی تألیف محمد بن یعقوب کلینی و کتاب تهذیب شیخ طوسی است. (الدرایه).

شیخ بهایی (م ۱۰۳۱ هجری) در خاتمه و جیزه می نویسد:

قدمای محدثین - رضی الله عنهم - احادیثی که از ائمه ما - سلام الله علیهم - به ایشان رسیده بود، در چهارصد کتاب به نام «اصول» جمع نمودند. بعد از آن، برخی از متأخرین - شکرالله سعيهم - متصدی جمع این کتب و مرتب کردن آنها شدند، تا به آسانی در اختیار جویندگان اخبار قرار گیرد. پس کتابهای مبسوط و مبوب و اصولی مضبوط و مهذب با اسانید متصله به اهل عصمت - سلام الله علیهم - همچون کتاب کافی، من لا یحضره الفقیه، تهذیب، استبصار، مدینه العلم، الخصال، امالی، عیون اخبار الرضا علیهم السلام و غیره را تألیف نمودند. (وجیزه، ص ۱۸۳ و ۱۸۴)

مؤلف کتاب دفاع عن الکافی در باره فراهم آمدن اصول اربعمأه در کتاب کلینی می نویسد:

«و بعد ظهور الکافی اضمحلت حاجة الشيعة الى تلك الاصول الاربعمأة لوجود مادتها

مرتبة مبوبة في ذلك الكتاب» (دفاع عن الکافی، ج ۱، ص ۲۷)

پس از تألیف کافی، نیازمندی شیعه به اصول اربعه‌ماه مرتفع گردید، زیرا احادیث آن اصول به طور مرتب و محبوب در کتاب کافی ثبت گردیده بود.

۷- کلینی خود از اصحاب اربعه‌ماه بوده است و خدمت نواب خاص امام عصر علیه السلام شرفیاب می‌گردیده و از محضر خود آن بزرگوار نیز استفاده می‌نموده است. علامه تستری رحمه الله در این باره می‌نویسد:

رواه الاكمال والغیبة عن ابی نعیم الانصاری قال: كنت بالمستجار، و جماعة من المقصرة منهم الحمودی - الی أن قال - و أبو جعفر الاعور - الخبر. و منه يظهر درکه شرف حضور الحجة علیه السلام (کمال الدین، ص ۴۷۳؛ غیبت، ص ۱۵۶)

در کتاب کمال الدین صدوق و غیبت شیخ طوسی از ابو نعیم انصاری روایت می‌کند که گفت: با جماعتی از مقصره که در میان ایشان محمودی و ... و ابو جعفر اعور نیز بودند، در مستجار بودیم - الی آخر خبر. از این خبر، رسیدن کلینی به شرف حضور حضرت حجت علیه السلام ظاهر می‌شود.

نتیجه آنکه کلینی خود از اصحاب اصول بوده است و از امام معصوم به طور مستقیم و یا به واسطه نواب اربعه نقل روایت می‌کند و با وکلا و راویان احادیث در مرکز عالم اسلام در ارتباط بوده است. چنین کسی نمی‌تواند از اصول مورد پذیرش امامیه بی اطلاع بوده و آن اصول معتبر را در کتاب خود نقل نکرده باشد.

نتایج

- ۱- امامیه در نقل و ضبط احادیث، اهتمامی تام داشته است.
- ۲- احادیثی که مستقیماً یا با یک واسطه از معصوم سماع شده و در رسائل مستقلی نگاشته شده اصول نام دارد.
- ۳- تعداد اصولی که از زمان امیرالمؤمنین تا زمان امام عسکری علیه السلام به نگارش در آمده، بالغ بر چهارصد اصل می‌گردد.
- ۴- مؤلفین کتب اربعه، سهم وافری در تبویب و تدوین اصول داشته‌اند.
- ۵- کلینی به دلیل واقع شدن در پایان عصر حضور ائمه اطهار علیهم السلام و داشتن قرب عهد

به اصحاب اصول و همچنین اشتغال کتابش بر اصول اعتقادات و فروع احکام و اخلاق، بزرگترین جامع اصول اربعه‌ماه بوده است.

منابع و مأخذ

- ۱- قرآن کریم
- ۲- ارشاد، شیخ مفید، طبع اسلامیه، تهران
- ۳- اعلام الوری، طبرسی، طبع قم
- ۴- دفاع عن الکافی، ثامر هاشم العمیدی، بیروت
- ۵- الدراییه، شهید ثانی، طبع المجمع العلمی الاسلامی
- ۶- الذریعه، شیخ آقا بزرگ تهرانی، طبع دارالاضواء، بیروت
- ۷- روضات الجنات، خوانساری، اسماعیلیان، قم
- ۸- ریاض العلماء، میرزا عبدالله افندی، قم
- ۹- سرائر، ابن ادریس، چاپ سنگی، ۱۲۷۰
- ۱۰- سیر حدیث در اسلام، میرخانی، چاپ تهران، ۱۳۷۵ شمسی
- ۱۱- عدة الاصول، شیخ طوسی، دانشگاه تهران
- ۱۲- الفهرست، شیخ طوسی، افست از چاپ اسپرنگر، دانشگاه مشهد
- ۱۳- کافی، کلینی، طبع دار الکتب الاسلامیه، تهران
- ۱۴- کمال الدین، صدوق، تصحیح: علی اکبر غفاری، تهران
- ۱۵- مناقب، ابن شهر آشوب، قم
- ۱۶- مستدرک الوسائل، محدث نوری، چاپ سنگی، قم، اسماعیلیان
- ۱۷- مقدمه کافی، حسینعلی محفوظ، دارالکتب الاسلامیه، تهران
- ۱۸- مهج الدعوات، ابن طاووس، افست کتابخانه سنائی
- ۱۹- وسائل الشیعه، شیخ حر عاملی، طبع اسلامیه، تهران
- ۲۰- وجیزه، شیخ بهایی، طبع سنگی تهران، به ضمیمه «خلاصه الاقوال» علامه حلی